

■ آثار سوء تحریف در نسخه‌های خطی بر شناسایی آنها:  
مطالعه موردی آثار میرزا ابراهیم بدایع‌نگار

سوسن اصیلی

■ چکیده

هدف: تصرف‌های صورت گرفته در نسخ خطی آثار میرزا ابراهیم بدایع‌نگار از مورخان دوره قاجار و آسیب‌هایی که این تصرفات بر شناسایی این آثار می‌گذارند، بررسی و تحلیل شده است. در پرتو این بررسی آثار منفی تحریف نسخه‌های خطی بر پژوهش‌های بعدی نیز تشریح شده است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش بر مبنای تحلیل متون انجام شده است. با بررسی نسخه‌های خطی مربوطه، موارد تحریف مشخص و سپس با مقایسه این موارد با متون دیگر، میزان و شکل تغییرات تحلیل شد.

یافته‌ها: میرزا احمد منشی رازی نوه میرزا ابراهیم بدایع‌نگار تلاش کرد یکی از مهم‌ترین آثار پدر بزرگش را به نام خود قلمداد کند، بنابراین با دست بردن در نسخه تغییراتی را در آن ایجاد کرد. این تغییرات که با عنوان تحریف یا تصریف شناخته می‌شوند، از سویی موجب شدند نسخه در فهرست‌ها درست معرفی نشود و از سوی دیگر محتوای آن نیز دچار آسیب شود. این تصرفات در سه بُعد بررسی شده‌اند: نخست تحریف در نام نویسنده و سپس تحریف در نام افراد مرتبط و در نهایت تصرف در محتوای کتاب.

نتیجه‌گیری: تحقیق و تدقیق در نسخه‌های خطی به لحاظ سیاق نگارش و کتابت می‌تواند در شناسایی علمی‌تر این نسخه‌ها مؤثر باشد. نسخه‌های بسیاری وجود دارند که سهواً یا عمداً دچار تحریف و تصرف شده‌اند و یکی از وظایف نسخه‌شناسان شناسایی و اصلاح آنهاست تا بتوان در حد امکان به نوشته مؤلف نزدیک شد.

کلیدواژه‌ها

نسخه‌های خطی، تحریف، بدایع‌نگار تهرانی، تاریخ قاجار

# آثار سوء تحریف در نسخه‌های خطی بر شناسایی آنها: مطالعه موردی آثار میرزا ابراهیم بدایع‌نگار

سوسن اصیلی<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۱۲

## مقدمه

از مشکلاتی که همواره مصححان و فهرست‌نویسان هنگام مطالعه نسخه‌های خطی با آن روبرو بوده‌اند، عدم صحت متن نسخه است. پژوهشگر نسخه‌های خطی، معمولاً در جست‌وجوی صحیح‌ترین و کم‌غلط‌ترین نسخه برمی‌آید، اما به‌جز نسخه اصل مؤلف، هیچ‌یک از نسخه‌های کتابت شده از یک اثر کاملاً قابل اعتماد نیست. به همین دلیل برای تصحیح یک اثر، نسخ متعدد آن با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

برای اینکه بتوان تا حد ممکن به یک متن صحیح دست یافت، لازم است متن را به شیوه‌های علمی مورد نقد قرار داد تا دستبردها و جعل‌های ایجاد شده در آن را شناسایی کرد. متن‌شناسی یا نقد متون این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که با توجه به نسخ دیگر و نیز مقایسه اطلاعات متن با متون دیگر، تصرف‌ها و دستبردهای ایجاد شده در متن را شناسایی کند و به اندیشه‌های مؤلف در متن کتاب نزدیک‌تر شود.

باتوجه به اهمیت شناسایی آثار قدیمی و نقش آن در صحت پژوهش‌ها، توجه دقیق‌تر به این آثار ضروری‌تر می‌شود. دستبرد و تحریف در نسخ خطی پیشینه‌ای دراز دارد. مجتبی مینوی از این دستبردها با عنوان تزویر و تدلیس یاد کرده است. وی در مقاله‌ای تعدادی از نسخ خطی را که دچار تزویر و تدلیس شده‌اند برشمرده است. البته این نسخ به‌طور کامل در دوره معاصر نوشته و به نام نسخ کهن ارائه شده‌اند و تعدادی از آنها از کتابخانه‌های مشهور

۱. دکتری تاریخ کتابخانه مرکزی  
و مرکز اسناد دانشگاه تهران  
asili@ut.ac.ir

اروپا و امریکا سردر آورده‌اند (مینوی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵-۱۸۶).

نسخه‌شناسان دلایل متعددی برای تزویر و تصرف در نسخه‌های خطی برشمرده‌اند. علاوه بر کهنه‌سازی نسخه، دست‌بردن در ترقیمه برای اصل جلوه دادن نسخه، انتساب نسخه به کاتبان مشهور نیز از دلایل تصرف در نسخه است (مایل هروری، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۶۰). یکی از دلایل دست‌برد در متن تصرف ایدئولوژیک است. تحولات اعتقادی و سیاسی در طول تاریخ موجب شده کاتبان یا اشخاص دیگری در متن‌ها دست برده، تغییراتی در آنها ایجاد کنند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳، ص ۹۴). گاهی این تغییرات با حذف یک عبارت یا بیت و یا تغییر یک نام صورت می‌پذیرد. اغلب تصرفات در کتابت‌های متعدد یک نسخه پدید می‌آید، اما گاهی ممکن است متصرف در متن با ایجاد خط خوردگی تغییرات را انجام دهد و از آنجا که معمولاً نسخه‌های خط‌خورده را نسخه اصل می‌پندارند که به دست مؤلف در آن تغییر ایجاد شده است، دست‌برد صورت گرفته شبیه اصل بودن نسخه را ایجاد خواهد کرد. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش آثاری مورد بررسی قرار می‌گیرد که با دست‌بردن در متن و تصرف تلاش شده محتوای اثر تغییر کند. این آثار، عقدا اللئالی و تاریخ قاجار دو اثر در سه مجلد از بدایع‌نگار هستند. در این پژوهش علاوه بر معرفی بدایع‌نگار و آثار او به‌طور خاص، دو اثر تاریخی مذکور به لحاظ کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و متن‌شناسی بررسی خواهند شد. در بررسی حاضر تلاش شده به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه تصرف در یک نسخه می‌تواند هویت آن را نیز مخدوش کند و چگونه می‌توان به این تصرف‌ها و تزویرها پی برد؟ چون برخی از آثار میرزا ابراهیم بدایع‌نگار منتشر شده، چند بررسی در شرح حال و معرفی آثار او انجام شده است. هما ناطق و اصغر مهدوی در مقدمه سرگذشت خودنوشت بدایع‌نگار مختصری از زندگی او را ذکر کرده‌اند (ناطق، ۱۳۵۸، ص ۱۳۱-۱۵۳).

اکبر ایرانی در مقدمه فیض‌الموع ضمن شرح حال بدایع‌نگار آثار او را نیز معرفی کرده است (نواب تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۲۵-۴۰). نواب (۱۳۴۴، ص ۳۶۴-۳۶۹) نوه بدایع‌نگار در مقاله‌ای درباره رساله دستورالاعتقاد اثر میرزامهدی نواب، پدر بدایع‌نگار، اشاره‌ای نیز به برخی آثار پدر بزرگ خود کرده است.

محبوبی اردکانی (۱۳۷۱، ص ۷۰۵-۷۱۰) نیز در مقاله‌ای به اختصار شرح زندگانی و آثار بدایع‌نگار را نوشته است. محمدتقی دانش‌پژوه در مقاله‌ای با نام «نگارش‌های بدایع‌نگار» علاوه بر معرفی آثار بدایع‌نگار و نسخه‌هایی که از آنها به‌جای مانده، اشتباه خود را در شناسایی آثار بدایع‌نگار در مجموعه دانشکده حقوق اصلاح کرده است. اغلب این پژوهش‌ها تنها به زندگانی بدایع‌نگار پرداخته‌اند و هیچ‌یک از مطالعات انجام شده به عقدا اللئالی و تاریخ قاجار و نسخه‌های آنها توجه موشکافانه‌ای نکرده‌اند و علیرغم اینکه بدایع‌نگار برخی نوآوری‌ها را

در تاریخ‌نویسی خود داشته، در پژوهش‌های تاریخی مورد توجه مورخان نبوده است.

## خاندان نواب تهرانی

میرزا ابراهیم نواب تهرانی یا منشی رازی مشهور به بدایع‌نگار پسر میرزامهدی نواب، از منشیان و مورخان دوره ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) بوده است. میرزا مهدی در پیشه تجارت فعالیت می‌کرد، اما در جوانی تحصیل کرده و بر ادبیات فارسی و عربی و تاریخ مسلط بوده است. او به دلیل ارتباطی که با دستگاه دیوانی داشت با حاج میرزا آقاسی رابطه پیدا کرد. روابط میان آنها ابتدا دوستانه بود، اما اختلاف ملکی میان آن دو موجب شد میرزا مهدی از سر دشمنی با حاجی درآید که نتیجه آن تألیف رساله‌ای با عنوان *دستورالاعتقاد* در ذم و لعن حاج میرزا آقاسی بود (نواب تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۴-۵).

میرزا ابراهیم با نادیده گرفتن نصیحت پدر که او را به جمع کردن مال و ثروت تشویق می‌کرد به دنبال تجارت نرفته، راه تحصیل علم در پیش گرفت.

میرزا مهدی که از تاجر شدن پسر ناامید شده بود تصمیم گرفت وی را وارد دستگاه دیوانی کند، بنابراین کتابی را که میرزا ابراهیم در علم بدیع به شیوه *حدایق السحر* نوشته بود نزد حاج میرزا آقاسی برد، در این زمان هنوز روابط آن دو تیره نشده بود. کتاب مورد توجه حاجی قرار گرفت و او را به حضور محمدشاه برد. میرزا ابراهیم ادعا کرده که از همان وقت «نواب دارالخلافه» لقب گرفت (بدایع‌نگار، ۳۶۹ ج. ۲ الف).

اختلاف آقامهدی با حاج میرزا آقاسی بر موقعیت میرزا ابراهیم در دربار تأثیر گذاشت و او مورد بی‌مهری واقع شد. این بی‌توجهی تا پس از عزل میرزا آقاخان نوری ادامه داشت، پس از آن میرزا ابراهیم دوباره مورد توجه قرار گرفت و پس از سفر سلطانیه در سال ۱۲۷۶ ق. از سوی شاه مورد التفات واقع و به دربار فراخوانده شد (بدایع‌نگار، ۳۶۹ ج. ۲ ب و ۳ الف)؛ شرح این شرفیابی را اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷، ص ۱۳۴۴-۱۳۴۵) در *مرآت‌البلدان* نوشته است. در همان مجلس بدایع‌نگار به نیابت اول وزارت علوم برگزیده شد. مدتی نیز در وزارت خارجه به‌عنوان منشی اول خدمت کرد (قزوینی، ۱۳۲۵، ص ۸). اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰) در *المآثر والآثار* او را در زمره مورخینی ذکر کرده که وقایع دوره ناصرالدین‌شاه را نوشته‌اند. آغابزرگ تهرانی با خانواده بدایع‌نگار نسبتی داشته است. وی در *الذریعه* درباره میرزا ابراهیم نوشته است: مادرش عمه پدرم بود و نامش خدیجه دختر حاج محمد محسن تهرانی بود... دختر بدایع‌نگار همسر حاج سید محمود جواهری مؤلف *جواهرالاخلاق* (که در ۱۳۲۴ چاپ شد) و بانی مدرسه محمدیه در سرچشمه طهران بود (آغابزرگ تهرانی، ۱۳۶۰ ق.، ج ۴، ص ۱۱۹). میرزا احمد دبیرخاقان پسر میرزا ابراهیم بدایع‌نگار و پدر حسین نواب بوده است

(محبوبی اردکانی، ۱۳۷۱، ص ۷۰۷). میرزا ابراهیم بدایع‌نگار تهرانی در روز سه‌شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۲۹۹ در اثر سگته درگذشت. جسد او را در نجف اشرف به خاک سپردند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۱، ص ۷۰۸).

### آثار میرزا ابراهیم بدایع‌نگار

یکی از مؤلفین دوره ناصری میرزا ابراهیم‌بن مهدی مدایع‌نگار است. تشابه اسمی این فرد با میرزا ابراهیم‌بن مهدی بدایع‌نگار موجب شده در مواردی نام این دو و آثارشان با یکدیگر اشتباه شود. حسین نواب در مقاله خود به استناد فهرست مشار نام چند اثر مانند *انجمن ناصری*، *تذکره قدسیه* و *تذکره مجدییه* را آورده و نوشته این آثار از مدایع‌نگار دانسته شده‌اند. بنابراین نتیجه گرفته که احتمالاً پدربزرگش لقب مدایع‌نگار داشته است (نواب، ۱۳۴۴، ص ۳۶۶). در حالی که این دو تن با هم متفاوتند، مدایع‌نگار تفرشی متولد ۱۲۴۲ق. و متوفی در ۱۲۸۶ق. است. آثاری که حسین نواب نام برده به‌اضافه *ملستان* به *سبک گلستان* از این شخص است. تشابه نام و نام پدر این دو نفر باعث شده در منابع گوناگون یک نفر پنداشته شوند. به‌هر حال در این بخش آثاری که متعلق به بدایع‌نگار است معرفی خواهند شد.

۱. **فیض‌الدموع.** این اثر ترجمه لهوف ابن طاووس است. این کتاب در بیان شهادت و ذکر مصیبت امام حسین (ع) نوشته شده است. نسخه‌ای بسیار زیبا از آن به‌خط محمدرضا کلهر در کتابخانه کاخ گلستان به شماره ۶۸۲ موجود است (آتابای، ۱۳۵۲، ص ۸۴۵).

۲. **جنگ.** این جنگ حاوی چهار رساله از میرزا ابراهیم است. این نسخه به شماره ۳۶۹ج در مجموعه دانشکده حقوق نگهداری می‌شود. رساله نخست این جنگ سرگذشتنامه مؤلف است که در همین پژوهش به آن اشاره شد. یکی از رساله‌های این جنگ کتابچه جمع و خرج است که بدایع‌نگار در آن به مسائل اجتماعی و اقتصادی دوره ناصری پرداخته است.<sup>۲</sup>

۳. **عبرة الناظرین و عبرة الحاضرین.** این رساله در وقایع و رویدادهای سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۲۹۰ق. و به‌ویژه گزارش قحطی ۱۲۸۸ق. و نیز انتقاد از اوضاع دوره صدارت میرزا حسین خان سپهسالار است. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه شاه‌چراغ موجود است. نسخه دیگری را افشار (۱۳۵۳، ص ۶۸۵) در مجموعه کتاب‌های سعید نفیسی معرفی کرده است. این کتاب جزء نسخه‌هایی بوده که به دانشگاه تهران فروخته نشده است. پس از جست‌وجوهای بسیار، نسخه‌ای از *عبرة الناظرین* در مجموعه مرکز احیاء میراث اسلامی پیدا شد که با عنوان *مرآة الناظرین و عبرة الحاضرین* معرفی شده است. باتوجه به توضیحات افشار در نشریه و یادداشت سعید نفیسی در ابتدای نسخه مشخص شد که این همان نسخه نفیسی است.<sup>۳</sup> این اثر بدایع‌نگار تاکنون منتشر نشده است.

۲. صبا (۱۳۶۹، ص ۱۹۹-۲۰۵)  
مقاله‌ای تحلیلی درباره این رساله نوشته است و در آن دیدگاه‌های اقتصادی بدایع‌نگار را مورد بررسی قرار داده است.  
۳. نسخه به خط سیدابوالقاسم قبله ایزدی در تاریخ جمعه ۲۱ تیر ۱۳۱۷ شمسی در ۲۲ برگ کتابت شده است (حسینی اشکوری، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸-۳۰).

#### ۴. ترجمه عهدنامه مالک اشتر. این ترجمه در مخزن الانشاء به خط محمدرضا کلهر

به چاپ رسیده است.

۵. **تصحیح شرح نهج البلاغه.** بدایع نگار در کتاب *عقد اللئالی* مطلب مهمی درباره این شرح نوشته است که گویای روش تصحیح در آن دوره است. وی می‌نویسد از سوی شاه مأمور شد شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید را در ایران به چاپ رساند. او نیز چند نسخه از کتاب را به دست آورد و با گروهی از فضلا و عالمان «به تصحیح و تنقیح آن شروع پیوست... مقابلهت و تصحیح و استنساخ و طبع آن مخارجی گزاف ملتزم گشت» (بدایع نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۳۴ ب).

چون کتاب برای اهل علم با ارزش و به لحاظ ادبیات عرب و مضامین عرفانی و فنون شعری بسیار شیوا و بلیغ است، استنساخ آن هم بسیار مشکل است. بنابراین نسخ زیادی از آن موجود نبود. او گلیه می‌کند که: «در دارالخلافة طهران که امروز سواد اعظم ممالک ایرانست بیش از نسختی چند معدود یافت نمی‌شد و آن هم مغلوط و مغشوش که غالباً فایدتی بر آن مترتب نمی‌گشت و کس را از آن تمتعی نبود» (بدایع نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۳۴ ب). بدایع نگار مدعی شده همین دشواری‌ها باعث شد شاه او را برای چاپ این کتاب برگزیند.

#### ۶. دیوان اشعار. در حاشیه مخزن الانشاء این دیوان به طور کامل نوشته شده است

(مخزن الانشاء، [بی تا]، ص ۵-۲۳). آغابزرگ طهرانی (۱۳۲۷، ج ۷، ص ۱۶۲) کتابی به نام *خسروی‌نامه* را از بدایع نگار دانسته است که در آن مدح پیامبر و قصه معراج آمده است که باتوجه به محتوا باید همین دیوان اشعار باشد.

#### ۷. هزارستان. کتابی است که بدایع نگار در جوانی به سبک شاهنامه نوشته است. تنها

نسخه باقیمانده از آن که به خط مؤلف است در کتابخانه کاخ گلستان با شماره ۱۷۸ نگهداری می‌شود (آتابای، ۱۳۵۷، ص ۷۸۵-۷۸۷).

#### ۸. *عقد اللئالی فی نقد المعالی.* نخستین کتاب تاریخی تألیف بدایع نگار (۱۲۲/۲ ب

حقوق، گ ۳) *عقد اللئالی فی نقد المعالی* نام دارد، او در مقدمه کتاب این مطلب را متذکر شده است. *عقد اللئالی* وقایع ده‌ساله نخست پادشاهی ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷۵ ق. را دربرمی‌گیرد. پس از اینکه *عقد اللئالی* به نظر شاه رسید و موردپسند واقع شد بدایع نگار مأمور شد تاریخ خاندان قاجار را به نگارش درآورد، بنابراین به ادامه کار پرداخت و کتابی درباره تاریخ خاندان قاجار تا پایان پادشاهی فتحعلی‌شاه تألیف کرد. در فهرست‌های مختلف در معرفی این دو اثر خلط‌هایی صورت گرفته و گاهی با هم اشتباه شده‌اند و گاهی نیز به جای هم شناسانده شده‌اند. دو نسخه در مجموعه نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق موجود است که مرحوم دانش‌پژوه در فهرست، آنها را با نام تاریخ قاجار معرفی کرده است. شناختن

این دو نسخه موجب شد حقایقی از دو اثر تاریخی بدایع نگار بر نگارنده روشن شود که در این پژوهش مطرح خواهند شد. این اثر تاکنون به چاپ نرسیده است.

### معرفی عقد اللئالی در فهرست‌های نسخه‌های خطی و پژوهش‌ها

**نسخه‌های دانشکده حقوق:** در مجموعه نسخه‌های خطی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگهداری می‌شوند، سه نسخه خطی در تاریخ قاجار معرفی شده است. این نسخه‌ها به شماره ۱۲۲/۱ ب و ۲۲/۲ ب و ۱۳۱ ب قابل دسترسی هستند. مرحوم دانش پژوه در سال ۱۳۳۹ فهرست نسخه‌های خطی دانشکده حقوق را نگاشت که در آن زمان هنوز نسخه‌های دیگر این کتاب شناخته نشده بودند. در فهرست حقوق دو نسخه با شماره‌های ۱۲۲/۱ ب و ۲۲/۲ ب با عنوان تاریخ قاجار معرفی شده‌اند. نویسنده این دو نسخه از احمد منشی رازی سبط بدایع نگار شناخته شده است (دلیل معرفی این شخص به عنوان مؤلف در ادامه خواهد آمد). بعدها در سال ۱۳۵۶ دانش پژوه در مقاله‌ای آثار بدایع نگار را معرفی کرد. او در آن مقاله این دو نسخه و نسخه ۱۳۱ ب را اجزای عقد اللئالی فی نقد المعالی محمد ابراهیم بدایع نگار معرفی کرد (دانش پژوه، ۱۳۵۶، ص ۹۰۷).

در مجموعه دانشکده حقوق نسخه دیگری با شماره ۱۳۱ ب موجود است که در فهرست نام مؤلف آن ذکر نشده و فهرست نگار آن را جلد دوم اثری درباره وضع روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه دانسته است. حسین نواب نوه بدایع نگار درباره تاریخ قاجار پدر بزرگ خود نوشته:

تاریخ دوره قاجار تألیف مرحوم بدایع نگار در دو جلد، از ابتدای روی کار آمدن فتحعلی خان قاجار در دستگاه طهماسب صفوی و قتل او به تحریک نادرشاه و عصیان و طغیان پسرش محمدحسن خان در دوره کریم خان تا زمان حیات مؤلف قسمتی از آن به خط مرحوم کلهر است و تمام این کتاب از ابتدا تا انتها مسجع است (نواب، ۱۳۴۴، ص ۴۰۶).<sup>۴</sup> آل داود در مقدمه دستورالاعقاب به هنگام معرفی آثار بدایع نگار از عقد اللئالی نام برده است. به نوشته او این کتاب در تاریخ دوره قاجار و احتمالاً در دو مجلد است. جلد اول در شرح حوادث محمدحسن خان قاجار تا عصر فتحعلی شاه، جلد دوم در تاریخ محمدشاه و ناصرالدین شاه (نواب تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۱ و ۱۲).

و در ادامه مطلب در معرفی نسخه‌های عقد اللئالی از نسخه‌های دانشکده حقوق، کتابخانه ملی، کتابخانه دکتر اصغر مهدوی، نسخه شخصی محمدحسین اسلام پناه و نسخه خان ملک ساسانی و نسخه کتابخانه سلطنتی نام برده است (نواب تهرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۳ و ۱۴؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۱، ص ۷۰۷). در ضمن شرح زندگانی بدایع نگار به عقد اللئالی اشاره کرده و تنها از نسخه کتابخانه ملی یاد کرده است.

۴. نواب (۱۳۴۴، ص ۴۰۶-۴۰۵) درباره چگونگی انتقال این آثار به دانشکده حقوق نوشته است که نسخه دستورالاعقاب و چند اثر دیگر از بدایع نگار از جمله تاریخ قاجار را به امانت به عبدالحسین هژیر داده بوده است. هنگامی که هژیر کشته شد کتابخانه او به دانشکده حقوق فروخته شد و کتاب‌های مذکور در مجموعه این کتابخانه باقی ماند.

اکبر ایرانی در مقدمه فیض‌الدموع ضمن شرح زندگانی و آثار بدایع‌نگار، به عقد اللئالی نیز اشاره کرده است و با استناد به مطلب اعتماد السلطنه در مرآت‌البلدان که به آثار دیگری از بدایع‌نگار در تاریخ اشاره کرده است، یکی از این آثار را عبرة الناظرین دانسته و اظهار کرده که از تاریخ دیگر هیچ اطلاعی به دست نیامده است. ایرانی عقد اللئالی را باتوجه به مقاله دانش‌پژوه دو جلد دانسته است.

جلد اول از زمان محمدحسن خان قاجار تا عصر فتحعلی‌شاه و جلد دوم شامل دوران محمدشاه و ناصرالدین‌شاه (نواب‌تهرانی، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

در مجموع هیچ‌یک از فهرست‌ها و پژوهش‌های یادشده اطلاع‌درستی از کتاب عقد اللئالی ارائه نکرده‌اند و باتوجه به دلایلی که در بحث بعدی می‌آید پیداست که در پژوهش‌ها تنها به اطلاعات فهرست‌ها اکتفا شده که آنها هم باتوجه به صفحه‌عنوان نسخه‌ها به معرفی آنها پرداخته‌اند.

### معرفی کامل عقد اللئالی

مقایسه و تحقیق در دو اثر مربوط به تاریخ قاجار بدایع‌نگار، ماهیت اصلی این دو اثر و نسخ مختلف آن را روشن می‌کند. عدم تشخیص این دو اثر از یکدیگر موجب شده در فهرست‌های مختلف گاهی درست شناسایی نشده باشند. هدف این پژوهش بررسی آثار تاریخی بدایع‌نگار از منظر کتاب‌شناسی، نسخه‌شناسی و متن‌شناسی است.

### تحلیل کتاب‌شناسی

میرزا ابراهیم بدایع‌نگار به‌عنوان دبیری فرهیخته و اهل علم و ادب مأمور شد تاریخ حکومت ناصرالدین‌شاه را به ثبت برساند. نتیجه تلاش وی برای نگارش تاریخ کتاب‌های زیر بود.

**الف) عقد اللئالی فی نقد المعالی.** میرزا ابراهیم کتاب عقد اللئالی فی نقد المعالی را در سال ۱۲۷۰ ق. به حضور ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد. یکی از کارهای پسندیده بدایع‌نگار در این اثر ذکر انگیزه و چگونگی نگارش کتاب است، به طوری که می‌توان اطلاعات زیادی درباره زندگانی و روابط او از مطالب کتاب به دست آورد.

این اثر که با نثری متکلف و منشیانه نوشته شده است، با مطالب مختصری درباره نسب قاجارها شروع شده و به سرعت به وقایع دوره ناصرالدین‌شاه رسیده است. چون مؤلف این اثر را به روزگار صدارت میرزا آقاخان نوری نوشته است و قصد تقدیم آن را به حضور شاه داشته، بنابر ملاحظات معمول، سطور بسیاری را به مدح و ثنای صدر اعظم اختصاص داده است. در این اثر بیشتر توجه مؤلف به شرح حوادث خاص مانند فتنه یزد، فتنه کرمان، واقعه تبریز، واقعه زنجان، فتنه باب، واقعه هرات و... بوده است. البته مؤلف در مقدمه نوشته که قصد دارد «بدایع



وقایع» روزگار ناصرالدین شاه را به نگارش درآورد (بدایع نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۱۴). بدایع نگار گرچه برکشیده حاج میرزا آقاسی بود و این وزیر او را وارد کارهای دولتی کرد، اما مانند پدرش میرزا مهدی<sup>۵</sup> دل خوشی از حاجی نداشت و در تاریخ خود از او انتقاد کرده و نوشته است:

«یاسای سلطنت ایران به روزگار وزیر عهد، حاجی میرزا آقاسی سخن نابسامان بود و درباره طوایف خلق و عموم محترمه به ناوجب حکمها همی رفت» (بدایع نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۱۲). کتاب با شرح واقعه جنگ ایران و انگلیس بر سر هرات پایان یافته است. آغاز کتاب: الحمد لله الواهب المنان فیض الجود قدیم الاحسان غافر الذنب غافل التوب..... فرخ نامه که کلک بدایع طراز عقول زیب دفتر اقبال و قبول سازد.....

### ب) تاریخ قاجار یا تاریخ بدایع یا بدایع التواریخ، (جلد اول).

بدایع نگار پس از تألیف عقدا للثالی توانست به حضور شاه برسد و کتاب را به او تقدیم دارد. در همان مجلس از سوی شاه مأمور نگارش تاریخ خاندان قاجار شد. اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷، ص ۱۳۴۵) در وقایع سال ۱۲۷۶ ق. نوشته است میرزا ابراهیم که کتاب عقدا للثالی را نوشته و اکنون مشغول نگارش تاریخ بدایع است که: «تاریخ دیگر مبسوط از ابتدای دولت قوی شوکت شروع نموده در کمال فصاحت و سلاست و چند جزء آن را به نظر انور ملوکانه رسانده مقرر فرمودند که آن تاریخ را نیز مشغول باشد».

کتابی که اعتمادالسلطنه از آن با عنوان تاریخ بدایع نام برده است، در واقع تاریخ مفصل خاندان قاجار است. این کتاب به شیوه سایر تاریخ‌های عصر قاجار، نسب قاجارها را به دوره چنگیز خان می‌رساند و به‌طور مفصل به تکاپوهای محمدحسن خان قاجار و به حکومت رسیدن آقامحمدخان و سلطنت فتحعلی شاه پرداخته است. تاریخ بدایع با مرگ فتحعلی شاه در سال ۱۲۵۰ پایان یافته است. به دلیل اینکه این کتاب پس از عزل میرزا آقاخان نوری نوشته شده، مؤلف در مقدمه آن به شرح خطاهای میرزا آقاخان که منجر به عزل او شد، پرداخته است.

آغاز: الحمد لولیه و الصلوه علی نبیه محمد و اله. چون سال هجرت رسول صلی الله علیه بر یکهزار و دو بیست و هفتاد و پنج رسید و ده سال تمام از روزگار سلطنت پادشاه جهان... برآمد....

ج) تاریخ قاجار، جلد دوم. بنابه گفته اعتمادالسلطنه علاوه بر دو تاریخ مذکور، شاه بدایع نگار را مأمور نوشتن تاریخ مفصل دیگری از ابتدای دوره سلطنت خود کرده است. بنابراین مؤلف می‌بایست مشغول نوشتن آن تاریخ شده باشد. نسخه‌ای در مجموعه دانشکده حقوق موجود است که در ابتدای آن ذکر شده در جلد نخست، تاریخ خاندان قاجار تا پایان حکومت فتحعلی شاه نوشته شده و این جلد دوم است که شامل تاریخ حکومت محمدشاه

۵. میرزا مهدی نواب در کتاب دستورالاعقاب نهایت کینه خود را از حاج میرزا آقاسی نشان داده است. اختلاف میان او و حاجی بر سر مالکیت زمین بود (بدایع نگار، ۲۶۹ ج حقوق، ک ۲ ب).

و ناصرالدین شاه خواهد بود (بدایع نگار، ۱۳۱ ب حقوق گ ۱). البته این تاریخ هیچ‌گاه به پایان نرسید و این تنها نسخه شناخته شده از آن است که حتی وقایع دوره محمدشاه را نیز به پایان نرسانده و تنها تا سال ۱۲۵۴ ق. ادامه یافته است. مؤلف در این اثر از قائم مقام فراهانی به نیکی یاد کرده است. در آغاز کتاب چگونگی سرکوب سرکشی‌های آغاز حکومت محمدشاه را شرح داده است. بدایع نگار در این کتاب علیرغم ایجاز در ذکر وقایع، به‌طور مفصل به شرح رویداد آقاخان محلاتی پرداخته است و کتاب با همین مطلب پایان یافته است. لازم به ذکر است که مؤلف در هیچ‌جای کتاب به صراحت از خود نام نبرده است و در واقع براساس توالی مطلب و سبک نوشتار می‌توان فهمید این اثر از بدایع نگار است. جلد نخستی که بدایع نگار در آغاز کتاب از آن نام برده است، در واقع همان تاریخ قاجار است:

آغاز: در مجلد اول از این کتاب جملتی از محامد مأثور و موافق مشهور امیر تاج بخش فتحعلی خان و پادشاه جهان گشا محمدحسن خان تولاهما الله برضوانه یاد رفت...  
مؤلف در این جلد چند بار از عبارت «بدایع وقایع» که عبارت مشهور بدایع نگار در آثارش می‌باشد، استفاده کرده است.

### تحلیل نسخه‌شناسی در فهرست‌ها

برخی نسخه‌های خطی دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند نسخه‌شناسان را در تشخیص هویت یک اثر دچار اشتباه کنند. از جمله این ویژگی‌ها: بدون آغاز و انجام بودن نسخه، مشخص نبودن مؤلف، تصریح نکردن مؤلف بر نام کتاب، تعدد آثار یک مؤلف بدون تفکیک مشخص آنها را می‌توان نام برد. از سویی، موجز بودن برخی فهرست‌ها که آگاهی کافی از یک نسخه شناخته شده عرضه نمی‌کنند و سبب می‌شود تا فهرست‌نویسان دیگر نتوانند به‌طور دقیق یک نسخه را با نسخه فهرست شده تطبیق دهند. آثار تاریخی بدایع نگار نیز به‌هنگام فهرست شدن در کتابخانه‌های مختلف دچار چنین سرنوشتی شده و به‌طور مشخص معرفی نشده است. در این بررسی تلاش شده این آثار تا حد ممکن از یکدیگر تفکیک و معرفی شوند.

### الف) عقد اللئالی فی نقد المعالی

نسخه‌های موجود از این کتاب به شرح زیرند:

۱. نسخه شماره ۲۰۷۹/ف کتابخانه ملی. در فهرست احتمال داده شده نسخه به خط مؤلف باشد که البته چنین احتمالی بعید است، زیرا نسخه بسیار پاکیزه و خوش خط و در واقع نسخه‌ای است که برای تقدیم به شاه با سرلوح زرین و جدول‌بندی و طلااندازی بین سطور تهیه شده است. نسخه دارای ۱۸۹ برگ است. با توجه به مطالب کتاب این نسخه در واقع

عقدالثلثی است و تنها نسخه‌ای است که به‌درستی در فهرست نام‌گذاری شده است (انوار، ۱۳۵۳، ج ۵، ص ۹۱-۹۳).

۲. نسخه ۱۲۲/۱ ب حقوق. در فهرست، این کتاب با عنوان تاریخ قاجار معرفی شده است. به دلیل دستبردی که نوه مؤلف در کتاب صورت داده، کتاب از احمد منشی رازی دانسته شده است. این نسخه در فهرست دانشکده حقوق با عنوان نسخه اصل معرفی شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹، ص ۲۷-۲۹). اصل بودن نسخه نمی‌تواند غیرممکن باشد زیرا این نسخه متعلق به خانواده بدایع‌نگار است که به دانشکده حقوق فروخته شده است (نواب ۱۳۴۴، ص ۴۰۵-۴۰۶). این نسخه ۶۴ برگ دارد، بسیار ساده و بدون هرگونه آرایه‌ای است. این نسخه تا برگ‌های آخر نسخه کتابخانه ملی با آن نسخه همخوانی کامل دارد، اما در نسخه ملی صفحاتی افزون بر آن وجود دارد.

۳. نسخه شماره ۱۷۹ کتابخانه دکتر اصغر مهدوی. در فهرست، این نسخه با عنوان تاریخ ناصرالدین‌شاه از ابراهیم منشی رازی معرفی شده که ناتمام بوده و فهرست‌نویس آن را به خط مؤلف دانسته است.

## ب) تاریخ قاجار یا تاریخ بدایع

از این اثر نیز نسخه‌هایی موجود است.

۱. نسخه شماره ۷۰۷ کتابخانه کاخ گلستان. در فهرست، این نسخه با عنوان عقدالثلثی فی تقدالمعالی معرفی شده است و حتی بر روی نسخه نیز نام عقدالثلثی آمده است. درحالی‌که متن آن با تاریخ قاجار که شرح چگونگی به قدرت رسیدن قاجارها تا پایان حکومت فتحعلی‌شاه است مطابقت دارد. البته این نسخه که به خط بسیار خوشی کتابت شده ناتمام مانده و دارای ۲۱۸ صفحه است (آتابای، ۱۳۵۶، ص ۳۰۳-۳۰۵).

۲. نسخه شماره ۱۲۲/۲ ب حقوق. این نسخه در فهرست با عنوان تاریخ قاجار معرفی شده که مؤلف آن هم مانند نسخه ۱۲۲/۱ ب احمد منشی رازی دانسته شده است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹، ص ۲۷). درحالی‌که کتاب، تألیف دوم میرزا ابراهیم بدایع‌نگار در تاریخ نسب قاجارها تا پایان روزگار فتحعلی‌شاه است. این نسخه هم در مجموعه خانوادگی بدایع‌نگار بوده و دارای ۵۵ برگ است. بر برگ اول این نسخه مهر «یا احمد» دیده می‌شود. این احمد، میرزا احمد منشی نوه دختری بدایع‌نگار است که دستبردهای او در نسخه در مبحث بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ج) تاریخ قاجار. جلد دوم

از این اثر تنها یک نسخه در مجموعه دانشکده حقوق با شماره ۱۳۱ ب موجود است که متعلق به خاندان بدایع‌نگار بوده است. این نسخه ۱۹ برگ و نسخه‌ای منقح است، دارای سرلوح و همه صفحات مجدول با خطی خوش اما نیمه تمام.

### تحلیل متن شناسی

در میان انبوه مسائل و ابهاماتی که یک نسخه ممکن است داشته باشد تا فهرست‌نویس یا پژوهشگر را در شناسایی آن دچار مشکل سازد، تغییراتی که بعداً در نسخه ایجاد شده نیز باید مورد توجه قرار گیرد. دستبردها و تغییراتی که دیگران به عمد یا سهواً در نسخه ایجاد کرده‌اند حتی ممکن است موجب عدم شناخت نسخه شود. پیش از این به موضوع تزویر و تصریف در نسخ خطی اشاره شد. در متون خطی تصریف و تزویر یا تحریف به وفور یافت می‌شود و یکی از وظایف مصحح این متون، اصلاح این تغییرات است صرفنظر از اینکه عمدی یا سهوی باشد. در این پژوهش با توجه به سه نسخه از آثار بدایع‌نگار در مجموعه دانشکده حقوق، تغییرات و تصرفات انجام شده در آنها بررسی خواهد شد. برای شناسایی تغییرات ایجاد شده ناگزیر باید نسخه با یک نسخه دیگر مقایسه می‌شد. در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که هدف از این مقایسه بیان اختلاف نسخ نیست (که این موضوع هنگام تصحیح کتاب ارزش خواهد داشت)، بلکه هدف، مطرح کردن دستبردهایی است که بعداً به نسخه وارد شده است. بنای این بخش از پژوهش بر بررسی نسخه‌های ۱۲۲/۱ ب و ۱۲۲/۲ ب و ۱۳۱ ب حقوق است. این مقایسه شامل نسخه‌های دیگر این اثر نیست، به دلیل اینکه تنها سه نسخه یاد شده دچار تصرف شده‌اند. در این بخش عمده‌ترین موضوعاتی که در این نسخه‌ها مورد تصرف قرار گرفته بررسی خواهند شد.

### دستبردهای مربوط به نام مؤلف

حسین نواب نوه بدایع‌نگار در مقاله‌ای نوشته سه نسخه موجود در مجموعه دانشکده حقوق متعلق به خانواده بدایع‌نگار بوده که ایشان به‌عنوان امانت به عبدالحسین هژیر برای نوشتن یک کتاب داده است. پس از کشته شدن هژیر، کتابخانه‌اش توسط خانواده او به یک کتابفروشی فروخته شد و دانشکده حقوق این کتاب‌ها را که آثار دیگری از بدایع‌نگار و پدرش در میان آنها بود، از کتابفروشی خریداری کرد. بنابراین هر تغییری که در این آثار پیش آمده به‌دست افراد خانواده بدایع‌نگار بوده است. تمام تغییراتی که در این نسخ صورت گرفته در صفحات آغازین نسخه‌ها یا هر جای دیگری است که مؤلف درباره خود و روابطش به‌ویژه با دولتمردان مطلبی

نوشته است. در صفحات بعدی که صرفاً شرح وقایع تاریخی است تغییری داده نشده، البته اساسی‌ترین دستکاری در نام مؤلف انجام شده است. میرزا ابراهیم بدایع‌نگار در معرفی خود در *عقدالثلالی* نوشته است:

«بنده سپاس جوی و غلام خانزاد ابراهیم منشی رازی که تربیت یافته خوان نعمت و برآورده دست عنایت این دولت قدیم و شوکت قویم است» (بدایع‌نگار، ۲۰۷۹/ف. گ ۹ الف).  
در نسخه ۱۲۲/۱ ب حقوق، ابراهیم پاک شده و بالای آن نوشته شده احمد و در حاشیه نیز توضیح داده شده: «سبب مرحوم بدایع‌نگار دولت جاوید» (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۳ ب).  
همین دستکاری باعث شده مرحوم دانش‌پژوه در این فهرست مؤلف را احمد منشی رازی ذکر کند. البته بر صفحاتی از نسخه‌ها مهر «یا احمد» نیز دیده می‌شود که حتماً متعلق به همین احمد منشی بوده است. به دلیل اینکه این دستبرد کاملاً عمدی بوده و نوه بدایع‌نگار قصد داشته خود را مؤلف این اثر بنمایاند. چنین اعمال تغییرات در این نسخه تحریف به‌شمار می‌آید.  
در کتابخانه مرعشی نجفی نسخه‌ای از کتاب *فیض‌الدموع* بدایع‌نگار به شماره ۸۲۲۸ موجود است که به خط احمدبن منشی باشی نظام در سال ۱۳۰۴ کتابت شده است (حسینی اشکوری، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۱۹۰). احتمالاً این میرزا احمد همان احمد منشی است که در آثار پدر بزرگ خود دست برده است.

در کتاب *عقدالثلالی* مؤلف در شرح واقعه‌ای به زمان خود اشاره کرده است و نوشته «تاکنون نهم سال سلطنت اقدس همایون است» (بدایع‌نگار، ۲۰۷۹/ف. گ ۱۹ الف). این جمله نشان می‌دهد بدایع‌نگار اثر خود را در سال ۱۲۷۳ ق. که نهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه بود، نوشته است. در حالی که در نسخه ۱۲۲/۱ ب عدد «نهم» خط خورده و بالای آن «چهلیم» نوشته شده که مصادف با سال ۱۳۰۴ ق. است و نشان می‌دهد میرزا احمد منشی در این سال به تصرف در اثر پدر بزرگ خود پرداخته است (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۱۱ ب).  
در نسخه ۱۳۱ ب حقوق نیز هنگام شرح واقعه آقاخان محلاتی نوشته: «در سال ۱۲۵۲ که آقاخان عازم حج بود نامه‌هایی به حکام شهرها نوشت از جمله نامه به بهاء‌الدوله حاکم یزد». در اینجا توضیح داده: «و جدّ این بنده محمد ابراهیم نیز بدان روزگار از پی مهمی به یزد مقیم بود» (بدایع‌نگار، ۱۳۱ ب. گ ۱۵ الف).  
این جمله روی جمله دیگری که پاک شده، نوشته شده است. روشن است که این تحریف نیز به دست نوه بدایع‌نگار انجام شده است.

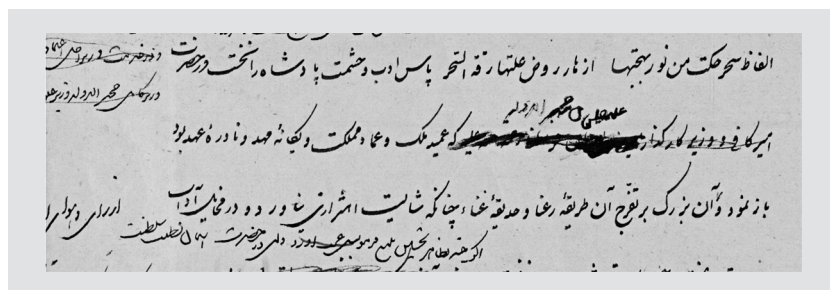
۶. همین اشتباه به فهرست‌های مشترک راه یافته چنانکه در فهرست منزوی جلد ۶ ص ۴۴۶ و در فهرست دست‌نوشته‌های ایران (دنا) جلد ۲، ص ۷۲۸ و در سایت آقابرگ این کتاب از احمد منشی رازی دانسته شده است.

## تحریف‌ها در نام افراد مرتبط

تحریف‌کننده نسخه به دلیل اینکه در سال‌های پس از مرگ بدایع‌نگار می‌زیسته، می‌بایست تغییرات را مطابق زمان زندگی خود انجام می‌داده است؛ بنابراین نام افراد مورد توجه یا حامی پدر بزرگ خود را پاک کرده و نام‌های جدیدی را در متن نسخه‌ها افزوده است.

بدایع‌نگار آثار خود را در دوره صدارت میرزا آقاخان نوری نوشته است و بنابر رسم معمول در *عقد اللئالی* از محامد او بسیار گفته است. میرزا احمد نوه بدایع‌نگار در دوره صدارت امین‌السلطان در این نسخه دست برده است، بنابراین نام میرزا آقاخان را پاک کرده و در حاشیه صفحه، امین‌السلطان نوشته است (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۶ الف). شاید قصد داشته با تقدیم متن به نام خود، از صاحبان مناصب عهد خود سودی ببرد. در ادامه همین مطلب به جای نام میرزا آقاخان نوری، نام مخبرالدوله نوشته شده و چنین به نظر می‌آید که در مجلس مخبرالدوله این اثر به ناصرالدین شاه تقدیم شده است (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۶ الف).

میرزا احمد گویا ارادت خاصی به مخبرالدوله داشته است، زیرا در جایی نام میرزا تقی‌خان امیرکبیر را نیز پاک کرده و به جای آن نام علیقلی‌خان مخبرالدوله را آورده است. مخبرالدوله در این زمان وزیر علوم بوده است (بامداد، ۱۳۴۷، ص ۴۵۸) و چون در ادامه مطلب بدایع‌نگار، کاردانی امیرکبیر در سرکوب یاغیان و گردنکشان را شرح داده است، تحریف‌کننده متن روی همه مطالب خط کشیده و از «طرز بلیغ و سیاق بدیع» مخبرالدوله نوشته است و ماجرای ملاقات او با برادر امپراطور اعظم در سفر فرنگستان را شرح داده است (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۵ الف).



یکی از نام‌هایی که در این نسخه پاک شده است، نام میرزا شفیع آشتیانی است که بدایع‌نگار او را در انشاء و نگارش استاد خود می‌داند (بدایع‌نگار، ۱۲۲/۱ ب. گ ۶ ب). البته چون در زمان نوه بدایع‌نگار روزگار میرزا شفیع به سر آمده بوده نام او پاک شده است.

در نسخه ۱۳۱ ب حقوق و در مقدمه کتاب، آنجا که در مدح و ستایش میرزا آقاخان نوری چند سطر نوشته شده است، نام صدراعظم پاک شده و به جای آن نوشته شده: «حضرت اجل

اشرف اعظم آقای امین الدوله» (بدایع نگار، ۱۳۱ ب. گ ۲ الف). کتاب *عقدا للئالی* زمانی نوشته شده که فرهاد میرزا معتمدالدوله در قید حیات بوده است، بنابراین بدایع نگار به دنبال نام او عبارت «دام اقباله» را به کار برده است؛ اما به هنگام دستبرد در متن روی این عبارت خط کشیده شده و «رحمه الله» نوشته شده است. از سویی تحریف کننده متن به این موضوع توجه داشته است تا متن را که به زمان زندگی مؤلف اشاره دارد تغییر دهد. در نسخه ۱۳۱ ب حقوق در واقعه آقاخان محلاتی نوشته است: «امروز که سال هجرت بر ۱۳۰۷ اولاد وی مقیم معموره ممبئی است و در حمایت دولت بزرگ انگلیزه و از شرّ باس و نکال بازخواست دولت جاوید در امان» (بدایع نگار، ۱۳۱ ب. گ ۱۶ ب). سال ۱۳۰۷ جایگزین سال پاک شده‌ای که بدایع نگار ثبت کرده بود، شده است.

### طبقه بندی تصرفات متن

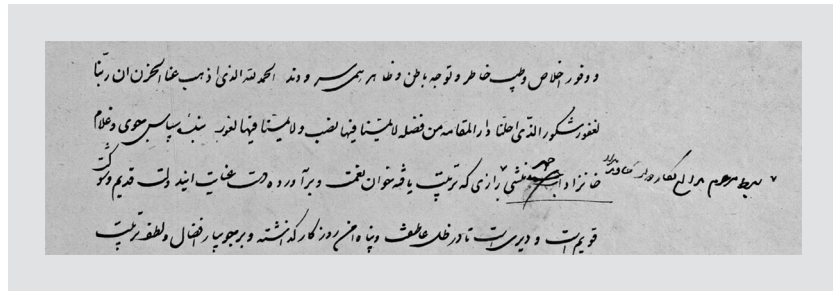
در این پژوهش سه نسخه خطی مورد بررسی قرار گرفته است. نکته قابل تأمل این است که نوع دستبردها و تصرفاتی که در این سه نسخه انجام شده متفاوت است و می توان آنها را به سه گونه طبقه بندی کرد:

**۱. تصرفات با جایگزین.** در این نوع از دستبردها کلمات و عبارات خط خورده اند و جایگزینی بر روی آن یا در حاشیه نوشته شده است. این نوع از تصرفات معمولاً مربوط به نام مؤلف یا افراد دیگر و یا تاریخ تألیف است. این نوع از تصرفات در نسخه ۱۲۲/۱ ب حقوق یعنی کتاب *عقدا للئالی* دیده می شود. این نسخه با نسخه کتابخانه ملی مقایسه و عبارات اصلی استخراج و در جدول زیر نوشته شد.

بنده سپاس جوی و غلام خانزاد ابراهیم منشی رازی (بدایع نگار، ۲۰۷۹/ف. گ ۹ الف)	بنده سپاس جوی و غلام خانزاد احمد منشی رازی (بدایع نگار، ۱۲۲/۱ ب گ ۳ ب)
پاس ادب و حشمت پادشاه رانخست در حضرت امیرکافی و وزیر کارگزار میرزا تقی خان فراهانی رحمه الله علیه که عمید و عماد مملکت و یگانه مهد و نادره عهد بود باز نمود (بدایع نگار، گ ۱۱ ب)	پاس ادب و حشمت پادشاه رانخست در حضرت علیقلی خان مخبرالدوله که عمید و عماد مملکت و یگانه مهد و نادر عهد بود باز نمود (بدایع نگار، گ ۸ الف)
چون دست وزارت بر وزیر اجل اعتمادالدوله صدراعظم افخم میرزا آقاخان نوری تفویض افتاد (بدایع نگار، گ ۱۳ ب)	چون دست وزارت بر وزیر اجل اعتمادالدوله صدراعظم افخم امین السلطان دام انامه تفویض افتاد (بدایع نگار، گ ۹ الف)
نایب الایاله فرهاد میرزا دام اقباله (بدایع نگار، گ ۲۱ الف)	نایب الایاله فرهاد میرزا رحمه الله (بدایع نگار، گ ۱۳ الف)
تاکتون که نهم سال سلطنت اقدس همایون است (بدایع نگار، گ ۱۹ الف)	تاکتون که چهارم سال سلطنت اقدس همایون است (بدایع نگار، گ ۱۱ ب)

### جدول ۱

تصرفات با جایگزین



**۲. تصرفات بدون جایگزین.** در این نوع از تصرفات تنها به پاک یا سیاه کردن کلمات و عبارات بسنده شده و جایگزینی برای آنها نوشته نشده است. این تصرفات در نسخه ۱۲۲/۲ ب حقوق اعمال شده است. با مقایسه این نسخه با نسخه کتابخانه گلستان اصل عبارات مشخص و در جدول زیر نوشته شده است.

<p>در نسخه ۱۲۲/۲ ب حقوق این عبارات سیاه شده است (گ ۳ الف).</p>	<p>خطاب ناصرالدین شاه به مؤلف: کتاب عقد اللالی که به نام ما ساخته نیکو کتابی است و نگارشی مقرون به صدق است و از مکنون ضمیر و مراد خاطر پیشکاران عاری است و آری هم از این روی جانب ترا مهمل گذاشتند و در تخفیف و اهانت تو مبالغت کردند (بدایع نگار، ۷۰۷. گ ۳ ب).</p>
<p>در نسخه ۱۲۲/۲ ب حقوق عبارت خط کشیده شده سیاه شده است (گ ۳ الف).</p>	<p>و در این جمله این بنده را نیز بخواند و تفقداتی ملوکانه فرمود و به فحوای سخن فرمود دیرگاه است تا ترجمه آداب دولت را کتابی خواسته‌ام که سراسر وقایع دولت و بدایع حضرت از روی صدق و راستی در آن مسطور شود (بدایع نگار، ۷۰۷. گ ۳ ب).</p>

### جدول ۲

تصرفات بدون جایگزین

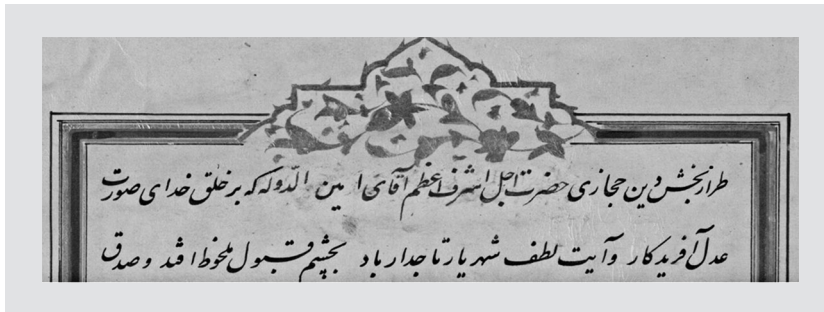
**۳. تصرفات بدون اصل.** در این گونه از تصرفات اصل پاک شده و به جای آن واژه یا عبارتی نوشته شده است. این حالت در نسخه ۱۳۱ ب حقوق دیده می‌شود که چون تک‌نسخه است نمی‌توان از اصل آن آگاه شد.

توضیحات	عبارت متن
<p>امین الدوله به جای نام دیگر نوشته شده است.</p>	<p>حضرت اجل اشرف اعظم آقای امین الدوله (بدایع نگار، ۱۳۱ ب گ ۲ الف)</p>
<p>۱۳۰۷ به جای تاریخ دیگری نوشته شده است.</p>	<p>امروز که سال هجرت بر ۱۳۰۷ اولاد وی مقیم معموره ممبئی است (همان، ۱۶۶ ب)</p>
<p>اثرات دستبرد در این عبارت بر جای مانده است.</p>	<p>و جد این بنده محمد/براهیم نیز بدان روزگار از پی مهمی به یزد مقیم بود (همان، ۱۵۵ الف).</p>

### جدول ۳

تصرفات بدون اصل





## نتیجه‌گیری

اهمیت دست یافتن به یک متن منقح و درست، انگیزه پژوهشگران برای توجه به موضوع نقد متون است. متن‌شناسی یا نقد متون موجب دست یافتن به شکل درست و واقعی هر کلمه و عبارت به طریق علمی است که پژوهشگر را به متن اصلی نزدیک‌تر می‌سازد. چون بسیاری از متونی که امروزه در اختیار ما هستند به لحاظ متنی کاملاً قابل اعتماد نبوده و همواره تردید ایجاد تغییرات در آنها وجود دارد. بایسته است منتقدین متون با دقت و حساسیت بیشتری به مرجع قرار دادن آنها بپردازند. همانطور که در بیان مسئله این پژوهش مطرح شد، تصرفات و دستبردهایی که به دلایل گوناگون در متون قدیمی راه یافته است در مواردی می‌تواند زبده‌ترین پژوهشگران را نیز به بیراهه ببرد. بنابراین لازم است با دقت و تفحص در متونی که دچار این دستبردها و تصرفات شده‌اند، به نسخه اصیل‌تر نزدیک شویم.

در این پژوهش تلاش شد با بررسی موردی آثاری از میرزا ابراهیم بدایع‌نگار که دستمایه چنین تصرفاتی قرار گرفته است، روشن شود که ماهیت اصلی این آثار چیست و چگونه مورد دستبرد قرار گرفته‌اند. از سویی پس از شناخت تغییرات انجام شده بر روی آنها، تأثیر این تصرفات در شناسایی این آثار مورد بررسی قرار گرفت.

با تحلیل‌های متن‌شناسانه مشخص شد که آثار تاریخی بدایع‌نگار به‌درستی در فهرست‌ها و پژوهش‌های متعدد شناخته نشده‌اند و ریشه اصلی این عدم شناخت در تصرفاتی است که در نسخه‌های اصلی این آثار صورت پذیرفته است. طبقه‌بندی دستبردهایی که به این متون وارد شده می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بررسی انواع تصرفات در متن‌های قدیمی مورد استفاده قرار گیرد. مطمئناً با پژوهش در متون دیگری که دچار شکل‌های متنوعی از تصرف و دستبرد شده‌اند می‌توان به لحاظ متن‌شناسی و نسخه‌شناسی، انواع گوناگون تصرف در نسخه‌های خطی و انگیزه‌های ایجاد آنها را طبقه‌بندی کرد. این پژوهش بخشی از این طرح برای گردآوری نمونه‌های بیشتری در این موضوع است.

## منابع

- آتابای، بدری (۱۳۵۲). *فهرست کتب دینی و مذهبی خطی کتابخانه سلطنتی*. تهران: [بی‌نا].
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۶). *فهرست تاریخ - سفرنامه - سیاحتنامه - روزنامه و جغرافیای تاریخی کتابخانه سلطنتی*. تهران: [بی‌نا].
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷). *فهرست کتب ادبی عرفانی گنجینه کتب و نفایس خطی کاخ گلستان*. تهران: [بی‌نا].
- آغابزرگ طهرانی، محمدمحسن (۱۳۲۷). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. ج ۷. تهران: چاپخانه مجلس.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. ج ۴. تهران: مجلس شورا.
- اعتمادالسلطنه، محمدمحسن (۱۳۶۳). *المآثر والآثار، چهل سال تاریخ ایران*. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*. به کوشش عبدالحسین نوایی، میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۳). «فهرست کتابخانه سعید نفیسی». در: *نشریه نسخه‌های خطی*. دفتر هفتم. تهران: دانشگاه تهران.
- انوار، عبدالله (۱۳۵۳). *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی*. ج ۵. تهران: اداره کل کتابخانه‌های وزارت فرهنگ و هنر. بامداد، مهدی (۱۳۴۷). *شرح حال رجال ایران*. تهران: زوار.
- بدایع‌نگار، محمدابراهیم (۱۳۱۱ حقوق). *تاریخ قاجار*. نسخه خطی دانشکده حقوق. [فهرست حقوق: ۲۷].
- \_\_\_\_\_ (۱۲۲/۱ اب حقوق). *عقد اللالی فی نقد المعالی*. نسخه خطی دانشکده حقوق. [فهرست حقوق: ۲۹].
- \_\_\_\_\_ (۲۲/۲ اب حقوق). *تاریخ قاجار*. نسخه خطی دانشکده حقوق. [فهرست حقوق: ۲۹].
- \_\_\_\_\_ (۳۶۹ ج حقوق). *جنگ*. نسخه خطی دانشکده حقوق. [فهرست حقوق: ۷۹].
- \_\_\_\_\_ (۷۰۷). *عقد اللالی فی نقد المعالی*. نسخه کتابخانه کاخ گلستان. [فهرست سلطنتی. تاریخ: ۳۰۳].
- \_\_\_\_\_ (۲۰۷۹/ف). *عقد اللالی فی نقد المعالی*. نسخه کتابخانه ملی. [فهرست ملی ۵: ۹۱-۹۳].
- حسینی اشکوری، احمد (۱۳۷۲). *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی*. ج ۲۱. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی*. قم: مرکز احیاء التراث الاسلامی.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹). *فهرست نسخه‌های خطی دانشکده حقوق*. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۶). «نگار شهای بدایع‌نگار». *راهنمای کتاب*، ۲۰: ۹۰۶-۹۰۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نقش ایدئولوژیک نسخه بدلها». *نامه بهارستان*، ۵ (۲ و ۱): ۹۳-۱۱۰.
- صبا، محسن (۱۳۶۹). «کتابچه دخل و خرج محمدابراهیم بدایع‌نگار». در: *هفتاد مقاله*. ج ۱. به کوشش یحیی مهدوی، ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- قزوینی، محمد (۱۳۲۵). «وفیات معاصرین». *یادگار*، ۳ (۴): ۸.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*. تهران: کتابخانه، موزه. مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۱). «بدایع‌نگار تهرانی». در: *چهل مقاله*. رضا استادی. قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

مخزن الانشاء (بی تا). چاپ سنگی. [بی جا]: کارخانه محمدصادق حسینی.

مینوی، مجتبی (۱۳۸۱). «کاپوسنامه فرای، تمرینی در فن تزویرشناسی». *نامه بهارستان*، ۳ (۱): ۱۶۵-۱۸۶.

ناطق، هما (۱۳۵۸). *مصیبت و با و بلای حکومت*. تهران، نشر گستره.

نواب، حسین (۱۳۴۴). «بدایع نگار». *یغما*، ۲۰۸: ۴۰۵-۴۱۰.

نواب تهرانی، محمد مهدی (۱۳۷۶). *دستورالاعقاب*. به تصحیح سیدعلی آل داود. تهران: نشر تاریخ ایران.

نواب تهرانی، محمد ابراهیم (۱۳۷۴). *فیض الدموع*. به تصحیح اکبرایرانی قمی. تهران. نشر میراث مکتوب و هجرت.